

سیر تحولات روستا با توجه بر عملکرد شهرها در ایران*

آزاده امیری

دانشجوی دکتری جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

geography8484@yahoo.com

دکتر کاظم جاجرمی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

پیوند میان شهرها و نواحی روستایی، به طور گسترده به عنوان عامل اصلی در فرایند تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخته شده است، علی رغم این واقعیت، بیشتر نظریه‌های توسعه و رویه‌های اجرایی تلویحا "به دوگانگی جمعیت و فعالیتهای نواحی شهری و روستایی تأکید دارند.

برنامه ریزان شهری گرایش بیشتری به مسائل شهری و توجه اندکی به کشاورزی و توسعه‌ی روستایی دارند؛ در حالی که برنامه ریزان مربوط به توسعه‌ی روستایی، نواحی روستایی را تنها شامل روستاها و اراضی کشاورزی و مجزا از مراکز شهری تعریف می‌کنند.

اما در بررسیهای ناحیه‌ای کشورهای در حال توسعه، انواع روابط متقابل بین شهر و روستا اشاره می‌شود و ایران به عنوان یکی از این کشورها در گذشته دارای شبکه شهری همگون و روابط میان شهرها و نقاط روستایی از تعادلی نسبی برخوردار بود، اما با نفوذ سرمایه داری و تقسیم کار جهانی در ایران موجب برهم خوردن تعادل قبلی و باعث بالا رفتن درآمدهای نفتی از دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی و سرازیر شدن بخش قابل توجهی از این درآمدها به نقاط شهری و همچنین اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ به نوبه خود به وخامت اوضاع روستاها و مشکلات بخش کشاورزی افزود.

این مقاله نشانگر سابقه و سیر تحولاتی که در روستا با توجه به عملکرد شهرها از دوران باستان تا عصر حاضر صورت گرفته، می‌باشد.

واژه های کلیدی: شهر، روستا، روابط متقابل، توسعه ناحیه‌ای، پیوند فضایی.

مقدمه

میان شهر و روستا از دیر و باز روابط متقابلی وجود داشته که بر حسب شرایط گوناگون جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی، شکل و محتوا و شدت و ضعف آن تفاوت کرده است. مهمترین انگیزه‌ای که چنین روابط را موجب شده، در ساختار اقتصادی و اجتماعی نقاط شهری و روستایی نهفته است. اشتغال روستاییان به کشاورزی،

* این مقاله استخراج شده از رساله دکترائی است که به راهنمایی دکتر جاجرمی تهیه شده است.

یکی از علل عمده‌ای است که نیاز به مبادله‌ی اضافه تولید محصولات کشاورزی با کالاها و خدمات شهری را ضرورت می‌بخشد.

ضعف پتانسیل‌های طبیعی در نقاط روستایی کشور ما که در عین حال موجب عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی می‌شده، آنها را در موضعی انفعالی و اثر پذیر، نسبت به نقاط شهری قرار می‌داده است. در نتیجه، روابط میان شهر و روستا به جای آنکه بر اساس روابط اقتصادی متقابل و مکمل استوار باشد، به سوی وابستگی هر چه بیشتر روستا به شهر متمایل بوده است، بنابراین میزان اهمیت سیاسی شهرها و انتخاب آنها به پایتختی و یا به عنوان مرکز حکومت‌های محلی و یا مرکزیت ناحیه و استان، در وضعیت نقاط روستایی پیرامون آنها نیز مؤثر بوده است.

اما تغییرات شدیدی که در اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران طی چند دهه اخیر پدید آمد روابط میان شهر و روستا را بکلی دگرگون کرد. تا این زمان اگر چه شهرها حاکمیت آشکاری در نواحی داشتند، لیکن این واقعیت نیز قابل انکار نیست که نوعی از تعادل بر مبنای داد و ستد میان شهر و روستا وجود داشته که حیات نواحی مختلف را تضمین می‌کرده است. داد و ستدی که بر اساس مبادلات اضافه تولید محصولات کشاورزی روستاها و تأمین خدمات و کالاهای مورد نیاز آنان بوده است. لیکن طی چند دهه‌ی اخیر با تغییراتی که در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی کشور به وجود آمد و در اثر سیاست‌گذارانه‌ی رژیم گذشته، تعادل قبلی، بکلی درهم ریخت، که در مقاله حاضر به بررسی این تحولات پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

در این تحقیق بطور عمده از دو روش اسنادی و تحلیلی استفاده شده است و روش جمع آوری اطلاعات بر مبنای مقالات و کتابهای متعدد فارسی و لاتین و همچنین استفاده از اسناد سازمان آمار ایران و مصاحبه با مسولان ذیربط بهره گرفته شده است.

تحولات روستا با توجه بر عملکرد شهرها در ابعاد زمانی

عصر باستان (قبل از اسلام)

روابط اجتماعی در جامعه روستایی ایران پیش از اسلام با جوامع شهری به علت برقراری نظام طبقاتی چندان مناسب نبود. شهرها در نخستین روزهای احداث، محل زندگی امیران و وابستگان ایشان، سپاهیان، ماموران حکومتی، خواص و فئودالها بود که با بزرگان همکاری می‌کردند و روستائیان اجازه همزیستی با گروههای بالای جوامع شهرنشین را نداشتند و از مهاجرت آنان به شهرها جلوگیری می‌شد، آنان مجبور بودند در روستاها اقامت داشته باشند و بصورت روستا بندگان که نوعی وابستگی به زمین داشتند زندگی کنند.

در عصر مادها تشکیلات اجتماعی و روابط مختلف شهری - روستایی شکل خاصی داشته و روستاییان به زمین وابسته و در حکومت هیچ نقشی ایفاء نمی‌کردند. اما آنچه مهم است توان روستاها در تامین مواد غذایی شهرها بوده است، بطوریکه شهرهای دوران ماد با اتکا به روستائیان رونق می‌یافتند ((در دوره هخامنشی به تولید محصولات کشاورزی در روستاها توجه بیشتری شده است و زندگی شهری مترادف با جدائی از کار تولید کشاورزی بوده است و جامعه روستایی نیز عهده دار تامین مواد غذایی شهرها و سربازان ارتش هخامنش بود و تیولداری یکی از

قدیمی‌ترین اشکال ارتباط میان عناصر حکومت شهری با جوامع روستایی بوده که در بررسی رابطه شهر و روستا دارای اهمیت خاصی است)). در دوره سلوکیان مکان یابی شهرها بعضاً متکی به پسرکرانه‌های زراعی آنها بود بطوریکه شهر در محل خالی از اراضی زراعی بنا نمی‌شد و در زمان اشکانیان نیز آنچه دوام و بقای شهرها را موجب می‌شد در کنار فعالیت‌های تجاری و امر داد و ستد می‌بایست از فعالیت‌های کشاورزی نام برد. در دوره ساسانیان حفظ و حراست از شهرها و توسعه بخشیدن به امور کشاورزی در روستاها از ویژگی‌های بارز این دوره بوده است. ((شهرهای خود فرمان عهد سلوکیان در این دوره استقلال خود را از دست داده و اساس و شالوده زیر بنایی این شهرها فئودالیسم نوین بوده است)).

سلسله مراتب سکونتگاه‌های عصر ساسانیان به ترتیب قدرت و اهمیت عبارت بود از کهندژ یا ارگ حکومتی (مرکز شهر)، شارستان یا محلات عمومی مسکونی بازارچه‌ها و صنایع دستی سپس ربض یا حومه‌های تقریباً چسبیده به شهر، مرتبه بعدی سکونتگاه‌های روستایی قرار داشت که ارتباط عمده آنها با ربض و مواردی معاملات در بازار شارستان بوده است.

با تمام این تفصیلات فاصله اقتصادی اجتماعی بین شهر و روستا مثل امروز عمیق و شدید نبوده روستاها از جهات عمده خود کفا و عموماً شهرها به تولیدات مخصوصاً زراعی روستاها و حوزه‌های پیرامونی خود وابسته بودند. گرچه از دیر باز دو جامعه شهری و روستایی در نقاط مختلف جهان نظام متفاوتی داشته ولی شهر همیشه مرکز ثروت و قدرت بود. شهرها در گذشته با اتکا به روستاها و حوزه‌های نفوذ خود ادامه حیات می‌دادند روستاها نیز هر چند به شهرها وابستگی داشتند ولی چون تولید کننده محصولات کشاورزی و دامپروری بودند بیشتر به خود متکی بوده و مبنای زندگی آنان با تکیه بر اقتصاد کشاورزی و دامپروری استوار بود.

دوران اسلام

با ظهور اسلام شهرها اهمیت و تقدس خاصی یافته تسلط مسلمانان و اعراب بر ایران، شهرگرایی دوره ساسانی استمرار و تشدید پیدا کرده، روابط شهر و روستا از طریق سازمانهای مذهبی و نیز مبلغین و عاملین جمع آوری زکات و نیز بده بستانهای معیشتی و مکمل شکل می‌گرفت مخصوصاً با تشویق افزونی جمعیت نیاز به مواد غذایی و معیشت روستایی بیشتر شد.

در دوران اسلامی بر خلاف اختلافات ظاهری در نحوه زندگی روستایی و شهری به نظر می‌رسد که شباهتهای زیادی در معیشت مردم و وسایل راحتی موجود و عوامل دیگر بین روستا و شهر وجود داشته است. بدین معنی بسیاری روستاها را می‌توان یافت که خصوصیات شهری را داشته‌اند و می‌توان آنها را شهرهای کوچک نامید و بالعکس بسیاری شهرها خصوصیات روستایی را داشته‌اند با در نظر گرفتن این عوامل تقسیم‌بندی بین روستا و شهر در دنیای اسلام به راحتی امکان پذیر نیست.

پس از نفوذ اسلام در ایران ((روستاییان مهاجرت به شهرها را آغاز کردند و روابطی دو جانبه بین آنها برقرار گردید و منجر به فرهنگی مشترک بین آنها شد که مذهب آنرا تحکیم بخشید)).

اصولا" در دوره اسلامی بین شهر و روستا تباین شدید و جدایی کامل مشاهده نمی‌شده با توجه به بعضی اشتراکات طبیعی (منابع آبی مشترک مانند کارون) و فرهنگی (اعتقاد به دین اسلام) بین شهر و روستا همبستگی و وابستگی دو سویه وجود داشته است.

((از نظر اقتصادی جدائی میان کار و داد و ستد کشاورزی از یکسو و کار و داد و ستد صنعتی از دیگر سوی در اجتماعات شهری و روستایی بطور کامل پدید نیامده و شواهد نشان می‌دهد که شهرها کارکرد روستایی و برخی روستاها کارکرد شهری داشته‌اند)).

هر چند واقعیت این است که شهرهای گذشته ایران را نمی‌توان بطور کمال و تمام با شهرهای پیشرفته کنونی مقایسه کرد زیرا هر دوره با عصری شهرهای خاص خود را با مشخصات ویژه آن عصر دارا است. از این روست که جزء ذات شهرهای ایران در نظام اجتماعی اقتصادی سنتی کارکردهای کشاورزی هم بوده است که در شرایط حاضر این نقش تقلیل یافته است. شواهد تاریخی زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد شهرها کارکردهای روستایی داشته‌اند و در بسیاری از روستاها نیز برخی از کارکردهای شهری وجود داشته است و هر دوی آنها را هم اکنون نیز می‌توان در مناطق گوناگون ایران ملاحظه کرد.

بسیاری از شهرها از پیوستن چند دهکده پدید آمده و هر یک از دهکده‌ها به صورت محله‌ای درآمد‌اند مانند اصفهان، قزوین، قم، کازرون اینگونه پدید و تحول یافته‌اند در چنین شهرهایی تمایز و تفاوت مطلق میان روستایی و شهری نبود یعنی میان محلات شهر و روستاهای پیرامون و حومه شهر تمایز دیده نمی‌شود حومه‌های محصور غالباً" برای زراعت به کار می‌رفت و روستاهای چسبیده و نزدیک به شهر ممکن بود محله‌ها یا حومه‌های شهر بشمار آیند گذشته از آن، بافت شهرهای اسلامی چنان بود که در مواردی با کشیدن دیوارهای طولانی گرداگرد کشت زارها پیرامون شهر امکان کشاورزی حتی در درون دیوارهای شهر پدید می‌آمد در ایران همیشه پیرامون شهرها را باغها، کشتزارها گرفته بوده است که اهالی شهر در آنها کشت و کار می‌کردند.

بطور کلی با اشاعه اسلام و ورود آن به ایران شهر نشینی اهمیت بیشتری یافته روابط با روستاها نیز عادلانه تر و به عنوان مکمل شهر و روستا مطرح گردید .

مسجد جامع، بازار، نهادهای حکومتی و مراکز خدمات، رفته رفته بنیانهای وقفی چهره فیزیکی و اجتماعی شهرها را دگرگون و مطلوبیت داد. ضمن اینکه روستاها نیز فعالیتهای مربوط را داشته با شهرها روابط تجاری، اجتماعی حتی فرهنگی برقرار کرده مورد استثمار نبودند .

ظاهراً" شهرهای اسلامی از سه طریق با روستاهای حوزه نفوذ خود ارتباط داشتند: عمل زکات، مالیات و خدمه دین و آموزش مالکین عمده، ولی افزایش جمعیت در شهرها موجی گسترش آن در اراضی با استعداد کشاورز شد به این ترتیب پیوند میان شهرها و روستاها به گونه‌ای بود که شهرنشینان می‌توانستند فعالیتهای کشاورزی را حتی در درون شهرها انجام دهند. همانگونه که روستائیان در فعالیت‌های پیشه وری و صنایع دستی شهری نقش داشته در نتیجه روابط متقابل شهر و روستا بیشتر به رونقی شهرنشینان کمک می‌کرد ((این رونق با روی کار آمدن سلجوقیان و حمله مغول کاسته شده و بدین ترتیب خسارت جبران ناپذیری به شهرها و روستاها و بطور کلی نیروهای تولید جامعه وارد آمد و انحطاط کشاورزی نیز بازار مناطق شهری را محدود ساخت. این رکورد تا دوران صفویه ادامه

داشته و مجدداً در این دوره سیاستهای جدیدی دنبال شده و تیولداری فردی جای خود را به تیولداری متمرکز دولتی می‌دهد و شاه اسماعیل اول نیز برای جلب نظر روستاییان خراج را یک ششم کاهش داد و این امر به توسعه اقتصادی و افزایش رابطه شهر و روستا کمک کرد)، ولیکن در دوره حکومت قاجار مجدداً دوره حقیض شهرنشینی آغاز می‌شود.

در عهد قاجار

در این سالها که کشورهای صنعتی مرحله کاپیتالیسم صنعتی را پشت سر گذاشته وارد مرحله کاپیتالیسم تجاری شده بودند. به دلیل اشباع بازارهای مصرف بشدت در جستجوی بازارهای جدید بودند تا بتوانند خود را از خطر ورشکستگی برهانند. کشور ما در این سالها به جرگه‌ی تجارت جهانی داخل شده بود ولی هنوز تجربه سیاسی لازم را کسب نکرده بود، دچار لطمات جبران ناپذیر شد، بویژه این که زمینه‌های عدم مدیریت صحیح و عدم به کارگیری نیروهای مولد و پتانسیلهای موجود و نشناختن شرایط اقتصاد و سیاست جهانی، این تاثیرات سوء را شدت می‌بخشد.

در این زمان ((تسلط بر تجارت خارجی ایران در ارتباط با نیاز جدید به سرمایه گذاری انگلیس و روس (خرید مواد خام ارزان و فروش مازاد تولیدات صنایع) بتدریج اقتصاد ایران را محکوم به پذیرش تقسیم کار بین المللی از سوی کشورهای استعماری، روس و انگلیس کرد ساخته‌های صنعتی کشورهای امپریالیستی، از منسوجات گرفته تا ماشین آلات جای خود را در واردات ایران باز کرد. صادرات کشور نیز تحت تاثیر نیازهای امپریالیسم از ابریشم (که قرنهای صادرات عمده‌ی ایران را تشکیل می‌داد) به سوی تریاک، پنبه و برنج گرایش یافت و تولید برای صادرات و پیوند خوردن کشاورزی داخلی به بازار جهانی امپریالیستی، در اقتصاد ایران جایی ویژه برای خود اشغال کرد. ورشکستگی کارخانه‌های نوین در سالهای پیش از سال ۱۳۰۰ و زیان تجار داخلی در تجارت کالاهای ایرانی به علت برخورداری تجار داخلی از مزایای گمرکی، کیفیت و تنوع بیشتر و هزینه تولید پایینتر کالاهای خارجی، گرچه به انحصار کامل تجارت خارجی از سوی استعمارگران نکشید اما عمده‌ی تجارت خارجی ایران به دست تجار انگلیسی و روسی افتاد و بسیاری از تجار ایرانی با هدف کسب بیشترین سود به عامل فروش کالاهای خارجی در کشور تبدیل شد)) (رزاقی، ۱۳۷۶، صص ۶۴۴-۶۵۵).

یکی از عوامل نابسامانی اوضاع اقتصادی ایران در این زمان قروض خارجی بوده است که یقیناً از تبعات وابستگی سیاسی به شمار می‌رود و از نتایج استعمار شوم انگلیس می‌باشد که نتایج حاصل از انقلاب صنعتی و تجارت جهانی را به زیان کشور ما تمام کرد. جمال زاده در این باره چنین می‌نویسد: ((پس از قرضی که ناصرالدین شاه در ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ برای پرداختن ۵۰۰/۰۰۰ لیره انگلیس از بابت خسارت کمپانی انگلیسی دخانیات از بانک شاهنشاهی نمود دولت ایران یک سلسله مفصل قرضهای دیگر خواه از انگلیس یا از روس نموده است و جای آن دارد که بگوییم همین سلسله قروض سلسله‌ی بندگی کشور ایران گردیده است و یک ملت بزرگ و قدیم را محکوم خواهشهای جابرانه بیگانگان بر طمع و کم انصاف نموده است)) (جمال زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۵۱).

جدول زیر میزان قروض ایران را در آغاز قرن حاضر نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: میزان قروض ایران از کشورهای خارجی در آغاز قرن حاضر (ه. ق.)

نمره	مبلغ	تاریخ	دهنده	مدت
۱	۲۲۵۰۰۰۰۰۰ منات (طلا)	سال ۱۳۱۸	روس	۷۵ ساله
۲	۱۰۰۰۰۰۰۰۰ منات (طلا)	۱۳۲۰	روس	۷۵ ساله
۳	۳۱۴۲۸۱ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۱۸	هند	۱۵ ساله
				(ابتدا از سال ۱۳۲۲)
۴	۱۱۱۱۱۰۰ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۲۹	روس	۱۵ ساله
				(۶۰۰۰۰۰۰۰ قران)
۵	۱۲۵۰۰۰۰ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۲۹	انگلیس	۵۰ ساله
				(ابتدا از ۲۴ صفر ۱۳۳۴)
۶	۱۴۰۰۰۰ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۳۰	هند و انگلیس	بدون تعیین مدت
۷	۲۰۰۰۰۰ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۳۱	روس	۳ ساله
۸	۲۰۰۰۰۰ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۳۱		۲ ساله و نیمه
			انگلیس	(از ۱۸ شعبان ۱۳۳۳)
۹	۱۰۰۰۰۰ لیره انگلیس (طلا)	۱۳۳۱	انگلیس	بدون تعیین مدت

مآخذ: جمال زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۵۱

بنابراین وارد شدن پول و حاکمیت یافتن آن در مراودات میان شهر و روستا که به موازات استحکام پایه‌های سرمایه‌داری وابسته صورت می‌گرفت از جمله عوامل دیگری بوده است که حیات اقتصاد کشور و از جمله اقتصاد روستایی را به مخاطره افکنده بود.

وارد شدن محصولات کشاورزی کشور در پروسه تجارت پولی زیانهای چند جانبه‌ای به آنها وارد و آنها را در چنگال سلف خران و ربا خواران گرفتار کرد. کنسول انگلیس در مشهد وضع نابسامان کشاورزان را چنین توصیف می‌کند: ((..... حالا همه چیز عوض شده است. آنها می‌دانند که یک یا دو هفته مانده به عید سر و کله محترمان روس پیدا می‌شود و کشت پنبه آنها را سلف خر می‌کنند و بذر آن را فراهم می‌سازند و یا این که بهترین سهم غلات آنها را پیش خرید می‌کنند. روستاییانی که غافل هستند، سهم خود را می‌فروشند و در زمان محصول برداری متوجه می‌شوند که غله‌ی کافی برای اعاشه‌ی زمستانشان وجود ندارد ...)) (جمال زاده، ۱۳۶۲، ص ۳۲۱).

لطمه‌ای که به صنایع دستی وارد آمد به نوبه‌ی خود یکی دیگر از علل برهم ریختگی تعادل روابط میان شهر و روستا محسوب می‌شود. علاوه بر ورود ایران به جرگه‌ی تجارت بین‌المللی، علل دیگری نیز در رکورد صنایع دستی دخالت داشته است که ((یاکوب پولاک)) آنها را یادآوری کرده است. وی در گزارشی که در سال ۱۸۵۰ میلادی درباره‌ی اوضاع اقتصادی ایران ارائه کرده است، دلیل مزبور را چنین برمی‌شمارد:

-عدم تلاش دولت برای بالا بردن سطح صنعت کشور

- وجود یک سیستم تعرفه‌ی غیر منطقی که واردات اجناس خارجی را برای فلج کردن تولیدات داخلی تشویق

می‌کند.

- عدم وجود راه و وسایل حمل و نقل مناسب.
 - عدم بهره‌برداری از امکانات موجود نظیر وارد کردن مس از خارج در حالی که ذخایر فراوانی از مس در کشور وجود دارد.
 - فقدان تکنولوژی.

- کمبود سرمایه و نرخ زیاد بهره (جمال زاده، ۱۳۶۲، ص ۴۱۴)

وصول مالیاتهای غیر معقول و بی ضابطه بخصوص از بخش کشاورزی، یکی دیگر از عوامل قابل ذکر در این زمینه است. مالیات ارضی از سایر مالیاتها سهم بیشتری داشت که مصادره‌های نامنظم نیز بر آن افزوده می‌شد. کاتوزیان با استناد به نوشته‌های لردکرزن، گاردان و ملکم، نظر کرزن را که میزان مالیات از محصولات کشاورزی را ۲۵٪ ذکر کرده است به واقعیت نزدیکتر دانسته، اظهار می‌دارد که اگر این رقم را با رقم مربوط به مصادره‌ها که آن هم تقریباً ۱۵٪ از محصولات کشاورزی را به خود اختصاص می‌داده جمع کنیم، کل مالیاتی در چند دهه‌ی آخر قرن ۱۳ ه. ق. / ۱۹ م. باید به ۳۵٪ تا ۴۰٪ افزایش یافته باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۵۵).

مشکلات مزبور موجب برهم ریختن تعادل اقتصادی - اجتماعی کشور شد. نمونه‌ی بارز این آشفتگی در بخش اقتصادی گزارشی است از ((انتر)) درباره‌ی وضع بازرگانی ایران و روسیه که نشان می‌دهد ایران تا پایان قرن سیزدهم ه. ق. یا نوزدهم میلادی مازاد بازرگانی داشته لکن این مازاد که از ۱۲۰۹ / ۱۸۳۰ رو به افزایش نهاده و در ۱۲۴۳ / ۱۸۶۴ به مرز ۴/۴ میلیون روبل طلا رسیده بود از آن پس پیوسته (به جز یک مورد استثنایی) رو به کاهش می‌گذارد تا در سر آغاز قرن ۱۴ / ۲۰ به کسری مبدل می‌شود)) (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۶۲).

ضربات مهلکی که بر اقتصاد کشاورزی و صنایع دستی وارد آمده بود منجر به مهاجرت آنان به نقاط شهری و نواحی صنعتی کشور شد. گزارشات واصله، اوضاع اقتصادی ایران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم را چنین توضیح می‌دهند: ((دهقانان فقیر طبق معمول در زمینه‌های صنعت نفت در جنوب، ماهیگیری در دریای خزر و ایجاد راهها، پلها، بنادر و کارهای آبیاری بیشتر بود. بدیهی است که در میان ماهیگیران سواحل جنوبی دریای خزر تعداد زیادی خلخال از آذربایجان دیده می‌شدند))

دامنه‌ی این مهاجرتها به داخل کشور محدود نمی‌شد بلکه به روسیه، آسیای مرکزی، ترکیه، کراچی و هرات تا زنگبار در آفریقا و معادن آهن کری وی رگ در اوکراین بسط یافت (رزاقی، ۱۳۷۶، صص ۷۴-۷۸).

در آغاز قرن حاضر

در آغاز قرن حاضر با روی کار آمدن رضا خان توسط دولت استعمارگر بریتانیا که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه. ش. به طول انجامید. فصل نوینی در حیات اقتصادی - اجتماعی ایران آغاز شد و زمینه برای عملکرد سرمایه‌داری هموارتر شد بازتاب این تحولات، روابط شهر و روستا را بتدریج دستخوش دگرگونیهای آشکاری کرد. روستاها در این زمان $\frac{3}{4}$ از جمعیت کل کشور و بخش عمده‌ی تولیدات داخلی را به خود اختصاص می‌دادند و نقاط شهری به عنوان کانون مبادله‌ی اضافه تولید محصولات کشاورزی و مراکز سیاسی حاکم بر ناحیه، ایفای نقش می‌کردند. نویسنده‌ی کتاب اقتصاد، سیاسی ایران در این باره می‌نویسد:

((دستاوردهای اقتصادی زمان رضاه شاه حاصل برخورد معقول و مناسب ... با پیشرفتهای اقتصادی نبود و جملگی از محل درآمد نفت و مالیاتهای غیر مستقیم که بار آنها به دوش مردم عادی بود پرداخت می شد. هر گونه سرمایه گذاری به ساختمان جاده‌ها، کارخانه‌ها، مدرسه‌ها و بانکها می‌انجامید ... با این همه، تردید نمی‌توان داشت که رشد کل تولید و درآمد قابل توجه بوده اما برندگان اصلی اقشار مرفه تهران و چند شهر عمده‌ی دیگر بودند و از این میان بهترین سود را اقشار بالای بوروکراسی دولتی و شرکای تجاری‌شان بردند، هر چند تاجران و واسطه‌ها نیز از آن بی بهره نماندند)) (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵).

همچنان که ملاحظه می‌شود، در این دوره بیشتر به بخش صنعت و تجارت توجه می‌شده است که نهایتاً به سود سرمایه‌داران و تجار تمام می‌شده که در تهران و یا چند شهر بزرگ دیگر ایران سکونت داشته‌اند. همچنین، اموری که در آنها سرمایه‌گذاری می‌شده مانند کارخانه‌ها، مدرسه‌ها و بانکها، جایگاهشان در شهرها و به سود آنها بوده است. در مقابل رشد بخش صنعت و زمینه سازی برای رشد و گسترش چند شهر بزرگ در کشور، بخش کشاورزی از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است. کاتوزیان در این باره چنین ادامه می‌دهد:

((کشاورزی بر روی هم کمک چندانی دریافت نکرد و مناسبات حاکم بر آن دقیقاً به همان حال باقی ماند که قرن‌ها دچارش بود. اما دامنه تبعیض مداوم و همه جانبه‌ای که علیه روستاییان اعمال می‌شد تنها در تمرکز سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع تبلور نمی‌یافت و بسیار فراتر از آن می‌رفت. دولت خریدار و توزیع کننده‌ی انحصاری عمده‌ی کشاورزی شامل گندم و جو بود که غذای اصلی مردم را تشکیل می‌داد. بدین سان دولت به عنوان خریدار انحصاری، قیمت محصولات کشاورزی را در پایینترین حد ممکن و شرایط مبادله داخلی را پیوسته بر ضد جمعیت روستایی نگاه می‌داشت. هدف این سیاست ناعادلانه، کاهش مصرف دهقانان به نفع تهران و یکی دو شهر دیگر بود ...)) (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۱۸۳).

نگاهی به لیست اعتبارات عمرانی دولت رضا شاه در سالهای ۲۰-۱۳۱۲ نیز نشان می‌دهد از میان وزارتخانه‌های موجود، بیشترین اعتبار به وزارت راه (۲۳/۷٪ از کل اعتبارات دوره‌ی مزبور) و سپس به وزارت صنایع و بازرگانی (۱۹٪) اختصاص داشته است. میانگین اعتبارات وزارت کشاورزی در دوره‌ی مزبور تنها ۲/۵٪ بوده است (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵).

در برابر این اقدامات که منجر به تضعیف بخش کشاورزی می‌گردید، رضا شاه احداث کارخانجات جدید را بطور جدی پیگیری کرد. بطوری که در اثر تلاشهای وی تعداد آنها در فاصله ۲۰-۱۲۱۰ ه. ش، از ۹۳ واحد به ۱۷۳۵ واحد افزایش یافت (رزاقی، ۱۳۷۶، صص ۶-۱۰).

توجه بیش از حد به راه‌ها از جمله فعالیت‌هایی بوده است که زمینه‌ی گسترش تجارت و پیوستن به تجارت جهانی را در این دوره فراهم آورده است. ورود وسائط نقلیه در همین راستا به سرعت افزایش یافت بطوری که تعداد آن از یک اتومبیل در سال ۱۲۸۹ به ۸۰۰۰ اتومبیل و ۶۰۰۰ کامیون در سال ۱۳۰۸ رسید. در حالی که گسترش جاده‌های اتومبیل رو بسرعت پی گیری می‌شد؛ خطوط آهن نیز از نظر دور نماند. طرح اولین خطوط در مسیر تبریز به مرزهای روسیه و زاهدان به مرزهای هندوستان (پاکستان فعلی) به اجرا درآمد که کاملاً نشان دهنده‌ی اغراض و اهداف استعمارگران از احداث راههای ارتباطی در ایران بود؛ زیرا اولی که توسط روسها به اجرا درآمده بود، تبریز را

به جلفای روسیه و دومی که توسط انگلیسیها اجرا می‌شد، در جهت اتصال خط آهن اروپا به هندوستان بود. پس از چندی این خطوط به علت رقابت قدرتهای استکباری آن زمان، که هر یک در اندیشه اجرای متویات خود بودند تعطیل شد ولی سرانجام خط آهن سراسری در سال ۱۳۱۷ و در دهه‌ی ۱۳۳۰ خط آهن تبریز- تهران و مشهد - تهران به انجام رسید. این خطوط نیز، قبل از آن که در جهت تامین منافع کشور باشد، متضمن منافع یگانگی (بخصوص دولت استعماری بریتانیا) و به منظور اتصال دریای شمال به خلیج فارس بود. به همین دلیل از برخی شهرهای سر راه خود، دهها کیلومتر فاصله داشت.

اهمیت راهسازی موجب شد تا در سال ۱۳۰۲ ادره‌ای به نام ((طرق و شوارع)) در وزارتخانه ((فوائد عامه)) به وجود آید. این اداره تا سال ۱۳۱۷ موفق به احداث ۲۲۴۰۰ کیلومتر راه جدید در کشور گردید. تحولات عمده‌ی اقتصادی - اجتماعی کشور از آغاز قرن حاضر تا ۱۳۲۰ را دکتر رزاقی چنین خلاصه می‌کند:

((توسعه‌ی تجارت با خارج، تولید و صدور مواد اولیه‌ی کشاورزی و واردات کالاهای ساخته شد همراه با کسری تراز بازرگانی نه تنها به ورشکستگی و خانه خرابی پیشه‌وران انجامید. بلکه پرداخت کسری، با تشدید استثمار دهقانان و افزایش ستم به آنان همراه شد ... پیوستگی بیشتر اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی سرمایه‌داری موجب می‌شد تا بحرانهای اقتصادی و تجاری در جهان (از جمله بحران ۱۹۳۰ م / ۱۳۰۹ ه. ش) مستقیماً بر زندگی و معیشت دهقانان ایرانی تاثیر گذارد. دهقانان همانند دوره قاجاریان در چنبره‌ی فقر و تحت استثمار و ستم شدید اربان، سردارها، خانها و ماموران دون پایه و صاحب منصب دولتی زندگی می‌کردند (رزاقی، ۱۳۷۶، صص ۶-۱۰).

طی دهه‌ی ۱۳۲۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰، وقوع جنگ جهانی دوم و رکود اقتصادی کشور و کاهش تجارت محصولات کشاورزی، روستاها را با مشکلات جدیدی مواجه کرد. شهرها گرچه خود دچار رکودی نسبی بودند، لیکن در عین حال پذیرای روستاییانی بودند که به دلیل کاهش صادرات محصولات کشاورزی، جزو بیکاران روستایی به شمار می‌رفتند. تعدادی از روستاییان که امیدی به شهرها نداشتند راه خارج از کشور را در پیش گرفتند. بنابراین از دوره‌ی مذکور است که جمعیت شهری کشور رو به تزاید می‌گذارد و از ۱/۶٪ در سالهای پیش از ۱۳۲۰ به ۲/۷٪ می‌رسد. کشاورزی نیز به عنوان فعالیتی که تا پیش از سال ۱۳۰۰ ه. ش حدوداً ۷۰٪ تولیدات ملی کشور را تأمین می‌کرد از همین زمان به حاشیه رانده شده و درآمدهای نفتی بخصوص از سال ۱۳۳۲ جایگزین آن می‌شود (حسامیان، ۱۳۶۳، صص ۳۷-۵۰).

پس از پشت سر گذاشتن دوره‌ی رکود و خاتمه اثرات جنگ، مدرنیزاسیون که شهرها مرکز تحقق آن بودند ادامه یافت. درآمد نفت که از سال ۱۳۳۲ به اقتصاد کشور وارد شده بود، جایگزین درآمد حاصل از کشاورزی شده، موجبات رکود بیش از پیش کشاورزی را فراهم آورد. نحوه تقسیم بندی اعتبارات برنامه دوم اقتصادی (۴۱-۱۳۳۴) که در زمان پهلوی دوم تحقق می‌یافت، نمونه بارزی از توجه به شهرها و کم‌اعتنایی به بخش کشاورزی می‌باشد. در برنامه مزبور به بخش کشاورزی ۱۷/۳٪ به امور اجتماعی اختصاص داشته که صرف بهبود شرایط زندگی در نقاط شهری و ایجاد درمانگاهها، بیمارستانها، مدرسه‌ها و سایر تاسیسات و تجهیزات شهری شده است. طی برنامه مزبور

((..... در چهل شهر لوله کشی آب صورت گرفت. آسفالت خیابانهای ۶۳ شهر انجام شد و ۱۴۴ شهر برق داده شد)) (سلطان زاده، ۱۳۶۷، ص ۱۸۰).

بنابراین در برنامه مزبور نه تنها با ایجاد امکانات خدماتی در نقاط شهری بر جاذبه شهرها افزوده می‌شد بلکه با اختصاص سهم اندکی از اعتبارات به بخش کشاورزی و صنعت و معدن و اختصاص درصد بالایی به امور خدماتی و غیر تولیدی، توازن اقتصاد ملی نیز برهم می‌ریخت و بدیهی است که اثرات و تبعات هر یک از این دو خود را به صورت عدم توازن و تعادل در روابط شهر و روستا می‌نمایاند.

یکی دیگر از عوامل به هم خوردن تعادل اقتصاد ملی، اتکای بیش از حد کشور به درآمدهای حاصل از نفت بود. این در حالی بود که ((..... بخش کشاورزی بزرگترین سهم را در تولید ناخالص ملی در تمامی دوره ۱۳۴۹-۱۲۷۹ داشته اگر چه مقدار نسبی آن طی سالها کاهش یافته است بعد از این سالها درآمد حاصل از فروش نفت مقامی ویژه در تولید ناخالص ملی و بودجه کشور به خود اختصاص داد و به تبع آن روند صنعتی شدن نیز مد نظر قرار گرفت. عواید نفتی ایران از ۸۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۲۷ به ۲/۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ و به ۱۹/۶ میلیارد دلار در ۱۳۵۵ افزایش یافت بطوری که در سالهای ۱۳۴۷ درآمد نفت ۷۵٪ دریافتهای ارزی کشور، ۲۰٪ از تولید ناخالص ملی و ۵۰٪ از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌داد)) (ضیاء توانا، ۱۳۷۱، ص ۴).

اصلاحات ارضی و مراحل پس از آن

اصلاحات ارضی که در دهه‌ی ۱۳۴۰ با رهنمود امریکا در ایران صورت گرفت، مشکلاتی برای روستاییان به وجود آورد ((..... پیامدهای حاصل از اصلاحات ارضی و اتخاذ سیاستهای مربوط به توسعه صنعتی کشور حول محور شهرها سبب شد تا در فاصله ۵۵-۱۳۴۵ خیل عظیمی از روستاییان خانه و کاشانه خود را ترک گفته و به شهرها و بخصوص تعداد انگشت شماری از شهرهای کشور که محل استقرار صنایع بودند سرازیر شوند. در این راستا سهم تهران به دلیل موقعیت سیاسی و اقتصادی (ناشی از تمرکز شدید سرمایه در آن) منحصر به فرد بوده است. به عبارت دیگر تمرکز سرمایه در چند کانون شهری موجب تمرکز شدید جمعیت در این نقاط شد، به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۵ تعداد شهرهایی که بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت داشتند (و در ۱۳۴۵ تنها ۱۴ شهر بودند) به ۲۳ شهر افزایش یافت)) (مقدس خراسانی، ۱۳۷۱، ص ۶۸).

این در حالی است که شهرهای ایران تا سال ۱۳۳۵ مهاجر فرست بوده‌اند و در بعضی موارد کاهش جمعیت نیز داشته‌اند. ((..... برای مثال، جمعیت شهر رشت از ۱۲۱۶۲۵ نفر در سال ۱۳۱۹ به ۱۰۹۴۹۱ نفر در سال ۱۱۳۵ و جمعیت همدان از ۱۰۳۸۷۴ نفر به ۹۹۹۰۹ نفر کاهش یافته بود. اما همه شهرهای فوق از سال ۱۳۳۵ به بعد مهاجر پذیر شدند)) (سلطان زاده، ۱۳۶۷، ص ۱۸۵).

مقایسه سرشماریهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که از ۷۹۳۰۰۰۰ نفر افزایش جمعیت، ۷۶/۴٪ سهم جمعیت شهری و ۲۳/۶٪ سهم جمعیت روستایی بوده است. به عبارت دیگر در این دوره بر جمعیت شهری کشور ۶۰۶۱۰۰۰ نفر و بر جمعیت روستایی تنها ۱۸۵۹۰۰۰ نفر اضافه شده است.

در دوره‌ی بعدی، جمعیت کشور از ۳۳/۷ به ۴۹/۴ میلیون نفر می‌رسد که ۶۹/۸٪ این افزایش سهم شهرها و ۳۰/۱٪ به روستاها اختصاص داشته است.

جدول شماره ۲ رشد جمعیت شهری و مقایسه آن با رشد طبیعی جمعیت، برای سالهای ۱۳۷۵-۱۳۰۰ را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲: رشد رشد شهرنشینی در ایران برای سالهای ۱۳۷۵-۱۳۰۰

رشد متوسط سالانه	شهرنشینی بطيء	شهرنشینی سریع	تداوم شهرنشینی
۱۳۰۰-۱۳۴۰	۱۳۴۰-۵۵	۱۳۵۵-۷۵	
رشد جمعیت شهری	۲/۶۵٪	۴/۴۲٪	۴/۷۶٪
رشد طبیعی جمعیت	۲/۱۲٪	۲/۷۷٪	۳/۴۱٪
مهاجرت	۰/۵۳٪	۱/۶۵٪	-

مآخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، ص ۱۷۱

مقایسه‌ی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طی مقاطع مختلف سرشماری نشان می‌دهد که شاغلان بالای ۱۰ سال در این بخش از ۵۶/۳٪ در سال ۱۳۵۵ به ۱۷٪ در سال ۱۳۶۵ تنزل یافته است. این در حالی است که شاغلان بخش خدمات طی مقاطع مزبور از ۲۳/۶٪ به ۵۰٪ افزایش یافته‌اند. این ارقام گویای کاهش اهمیت بخش کشاورزی است که در اثر دافع‌های گوناگون صورت گرفته است و در عین حال نشان دهنده افزایش جمعیت شهرهاست که جاذبه‌های دائم الزاید آنها، وسوسه‌ی مهاجرت را در روستاییان تشدید کرده است.

جدول شماره ۳: میزان و درصد جمعیت شاغل در سه بخش عمده‌ی اقتصادی کشور در چهار دهه سرشماری

سال	کل جمعیت شاغل	بخش کشاورزی	درصد	بخش خدمات	درصد	بخش صنعت	درصد
۱۳۳۵	۵۹۰۷۶۶۶	۳۳۲۵۷۲۱	۵۶/۳	۱۳۹۴۱۰۲	۲۳/۶	۱۱۸۷۸۴۳	۲۰/۱
۱۳۴۵	۷۱۱۵۷۸۷	۳۳۸۰۰۲۳	۴۶/۵	۱۸۴۸۷۷۶	۲۶/۵	۱۸۸۶۹۸۸	۲۷
۱۳۵۵	۸۷۹۹۰۰۰	۲۹۲۰۰۰۰	۳۳/۲	۲۷۹۵۰۰۰	۳۱/۷	۳۰۱۲۰۰۰	۳۴/۲
۱۳۶۵	۱۱۰۰۱۵۳۵	۳۱۹۰۷۶۱	۲۹	۵۰۲۹۷۶۶	۴۵/۷	۲۷۸۱۰۰۸	۲۸/۳

مآخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ص ۱۹

بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی مخصوصاً با ایجاد نهاد انقلابی جهاد سازندگی امیدواری و اولویت برای عمران و توسعه روستا مطرح، ولی به دلیل ماهیت شهری انقلاب، فقر و عقب ماندگی روستاها، بسیاری روستاییان میل و حتی عشق به شهرنشینی و بهره‌گیری از ره‌آوردهای انقلاب و رفاه آنان را به مهاجرت و اسکان در شهر و حاشیه آن ترغیب کرد که عملاً این حرکت عجولانه و برنامه ریزی نشده مانع توسعه و پیشرفت هر دو سکونتگاه شهر و روستا شد شهرها زمینه‌های شغلی و امکانات، خدمات و اسکان این همه میهمان ناخوانده را نداشت روستاها نیز از نیروهای جوان و خلاق خالی و از توسعه بازماند.

امروزه اولین وضعیت پیوند شهر و روستا ناشی از برداشت تولیدات روستا به نفع جامعه شهری است چنانچه شهر نیز خدماتی (آموزشی، بهداشتی، اداری) هر چند مختصر به روستا عرضه می‌کند همچنین نیروی ساده انسانی روستا که شهر را سامان می‌دهد.

شهرها در حوزه نفوذ مستقیم خود، ۴ ارتباط مشخص و مستمر با روستاها برقرار می‌کنند. انتقال مازاد کشاورزی از روستا به شهر، جابجایی ناپایدار ولی وسیع نیروی انسانی از روستا به شهر، عرضه کالاهای مصرفی و خدمات از شهر به روستا، جابجایی محدود نیروی کار از شهر به روستا به طور کلی شکافهای موجود میان شهر و روستا در سه سطح قابل بررسی است.

۱- درآمد ۲- خدمات و تسهیلات ۳- فرصتهای اشتغال

چه همواره مشکلات درآمد میان شهر و روستا بطور پیوسته افزوده می‌شود و خود عاملی اصلی و مهمی برای مهاجرت روستاییان به شهر می‌باشد. ضمناً "بیشتر سرمایه‌گذاریهای خدمات و تسهیلات و آبادانی در شهرها می‌گیرد هر چند کمبود خدمات و تسهیلات از نظر فقرای روستایی اهمیت درجه اول نداشته، عامل عمده مهاجرت نیست چون این تهیدستان پس از مهاجرت به شهر نیز فاقد بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات هستند ولی اقشار متوسط و مرفه روستایی این عوامل را عمده دانسته عامل مهاجرت آنان می‌باشد در مورد فرصتهای شغلی نیز در شهر و روستا تفاوت بسیار است شهرها با صنعت و تجارت آمیخته بوده روستاها با کشاورزی که با شرایط و زمینه‌های فعلی این بخشها قابل رقابت نیستند.

بخش رابطه شهر و روستا بعد از انقلاب رونق بیشتری گرفته حداقل از لحاظ نظری برای رفع محرومیت روستا و تعادل و توازن این دو سکونتگاهها، مباحث، کتب و مقالات زیادی مطرح و منتشر شده است.

مخصوصاً در ارتباط با برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای شناخت دقیق و عمیق روابط شهر و روستا و عوامل بسیار متعدد و متنوع آن کاملاً مطرح است که با تجزیه و تحلیل وسیع فاکتورهای مربوطه به کمک نظریه‌ها و مدل‌های مختلف (جاذبه - حوزه نفوذ - مرکز پیرامون - پدیده پخش - قطب رشد - روستا شهری - توسعه از بالا، توسعه از پایین، توسعه از چند جهت و غیره) انجام می‌گیرد.

بطور کلی در سالهای پس از انقلاب اسلامی، تحت تاثیر دیدگاههای اسلامی که خودکفایی و عدم نیاز به بیگانگان از جمله اصول به شمار می‌رفت، اقتصاد روستایی در کل کشور، تا حدودی دستخوش تحول شد. اعلام سیاست خود کفایی و توجه به تولیدات استراتژیک، موجب رونق بخش کشاورزی شد، چنانچه ((.... ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی در سال ۱۳۵۸ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳) معادل ۳۵۶/۳ میلیارد ریال بوده است که ۱۱/۶٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد، در سال ۱۳۶۶ ارزش افزوده بخش کشاورزی ۵۶۲ میلیارد ریال بوده است که ۱۸٪ تولید ناخالص داخلی کشور را در سال مزبور شامل می‌شد)) (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۶۸، صص ۲-۴).

همچنین ((.... سطح اراضی آبی طی فاصله زمانی ۶۶-۱۳۵۷ سالانه بطور متوسط ۳/۸٪ ازدیاد یافت. میزان آب تامین شده از طرق مختلف برای کشاورزی نیز طی دوره‌ی ۶۶-۱۳۵۷ بطور متوسط سالانه افزایشی حدود ۴٪ داشته است. طی دوره‌ی ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۶ دولت ۱۶۷ میلیارد ریال برای کود شیمیایی، ۸۵ میلیارد ریال جایزه به دامداران از

طریق صنایع شیر و ۱۳ میلیارد ریال برای خرید علوفه، سوبسید پرداخت کرده است)) (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۶۸، صص ۴-۶).

با توجه به نقش مهمی که برنامه‌ریزیهای دولتی در پیشرفت و یا عقب ماندگی بخشهای اقتصادی و از جمله بخش کشاورزی که تعیین کننده تکلیف اقتصاد روستایی است و بخش صنعت و خدمات که جایگاه آنها عمدتاً در شهرها می‌باشد دارد لازم است مختصری پیرامون سیاست‌گزاریهای دولت جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌ی اول و دوم توضیح داده شود.

سیاستهای عمده دولت در برنامه اول که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد بر چند اصل استوار بوده است:

الف) بازسازی مناطق جنگ زده از جنگ تحمیلی ایران و عراق

ب) ایجاد تعادل منطقه‌ای و تمرکز زدایی که طی آن به استانها و واحدهای سیاسی کوچکتر کشور اختیارات بیشتری برای کاستن از بار دستگاههای اجرایی و تمرکز زدایی از تهران و شهرهای بزرگ داده شد. تصمیمی که طبعاً "به نفع نواحی دور افتاده و محروم مانند بیرجند که در جنوب خراسان قرار داشته تمام شده است.

پ) توسعه بخشهای اقتصادی کشور که به موجب آن به توسعه بخش انرژی، آب، مسکن، معدن، صنعت، راه حمل و نقل و از جمله کشاورزی توجه کافی مبذول شده است. محورهای عمده مورد توجه در این بخش ((توسعه اراضی کشاورزی و اصلاح نظام بهره‌برداری)) بوده است.

در برنامه‌ی مذکور، بخش کشاورزی به علل زیر محور توسعه اقتصادی قرار گرفت:

الف) تامین مواد غذایی برای جمعیت کشور .

ب) نیل به خودکفایی کشاورزی به منظور جلوگیری از تحت سلطه قرار گرفتن کشور.

پ) توجه بیشتر به کشاورزان و عشایر کشور که همواره از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم بوده‌اند.

ت) تغییر ساختار اقتصاد مصرفی به ساختار اقتصاد تولیدی در زمینه‌های کشاورزی.

ج) تغییر جهت منطقی مهاجرت در سطح کشور (رزاقی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۰).

از جمله سیاستهای این برنامه می‌توان به بسیج منابع سرمایه‌ای غیر دولتی، افزایش کارایی عمومی، تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی خارجی و حمایت از تحقیق و ترویج تکنولوژی اشاره کرد.

تسهیلاتی که برای بخش کشاورزی در این برنامه مد نظر بوده، مانند ایجاد تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاران فاقد وثیقه و تضمین کافی، واگذاری تمام یا قسمتی از سهام واحدهای تولیدی به بخش غیر دولتی و بانکها، تدابیر حمایتی برای بیمه‌ی محصولات کشاورزی و تامین امکانات لازم برای بسط و گسترش شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی و جلب مشارکت مردم به منظور سرمایه‌گذاری در تامین آب و ایجاد تاسیسات آبی کوچک، به پیشرفت و توسعه بخش کشاورزی کمک مؤثری کرده است.

در برنامه دوم تغییراتی در سیاست‌گزاریهای دولت به وجود آمده است که اهم سیاستهای ابلاغی این برنامه به شرح زیر می‌باشد:

الف) تامین عدالت اجتماعی، به نحوی که گرایشهای آشکاری در جهت حمایت از اقشار کم درآمد و توجه به مناطق محروم به چشم می‌خورد.

ب) تقویت ارزشهای فرهنگی و انقلابی و توجه به بخشهای اجتماعی که نهایتاً منجر به تقویت و توسعه آموزش همگانی، بهداشت و درمان، آموزش عالی و تحقیقات و نظایر آن خواهند شد.

پ) متعادل کردن روابط اقتصاد خارجی، که هدف آن جلوگیری از وابستگی به تجارت جهانی و ایجاد خود کفایی از طریق تشویق تولیدات داخلی و کاهش واردات می باشد از محورهای مهم سیاستگزاریهای دولت است. این امر به نوبه‌ی خود می تواند از طریق رونق بخشیدن به بخش کشاورزی و صنایع دستی (که باید طبق برنامه‌ی مذکور جایگزین نفت شود)، اقتصاد روستایی را رونق بخشیدن، از مهاجرت‌های بی رویه به نقاط شهری جلوگیری کند، یعنی درست عکس آن چیزی که در اواخر دوره‌ی قاجاریه انگیزه اصلی مهاجرت‌های روستایی بوده است.

به هر حال مقایسه‌ی برنامه اول با برنامه دوم نشان می دهد که ((.... در سیاستهای حاکم بر برنامه اول، بخشهای اقتصادی اهمیتی اساسی یافته و سیاستگزاری به تفکیک بخشهای اقتصادی صورت گرفته است در حالی که در برنامه دوم، اقتصاد در کلیت آن مورد سیاستگزاریها قرار گرفته و مقولات سیاسی معطوف به توسعه بخشهای اقتصادی در برنامه اول، مانند بسیج منابع سرمایه‌ای غیر دولتی و تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی، از مقولات بخشی به مقولات کلان تبدیل شده است و به صورت متعادل کردن روابط اقتصادی خارجی و اصلاح روند خصوصی سازی و تعادل بخشیدن به اقتصاد داخلی عمومیت یافته است)) (منصوری، ۱۳۷۳، ص ۳۱-۳۹).

نتیجه گیری

شهر نشینی و روستا نشینی در ایران از قدمت بسیار طولانی برخوردار است. در ادوار مختلف تاریخی ظهور سلسله‌های حکومتی بر فرایند رشد و توسعه‌ی شهرنشینی و روستا نشینی مؤثر بوده‌اند. وجود سلسله‌های متمرکز محلی در این راستا موجب تبعیت شهرها و روستاها از دولتهای مرکزی و حاکمان محلی شده بود؛ اما همچنان روابط ویژه‌ای بین شهرها و روستاها برقرار بود. این روابط که ماهیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشت، در ساختار سکونتگاههای شهری و روستایی آثار وسیعی را بر جای گذاشت. در دوره قبل از اسلام با توجه به ویژگیهای خاص مربوط به هر دوره شهرنشینی و روستا نشینی و روابط متقابل میان آنان، تجلی اوصاف و شرایط ویژه همان دوره منعکس می شد.

اگرچه حمله اعراب و تسلط آنان در سال ۶۴۴ م. سبب تخریب بسیاری از مراکز شهری شد؛ اما آنان پایه گذاران ایجاد بسیاری از شهرهای جدید در کشور شدند، در دوره‌ی عباسیان روند شهرنشینی با رشد و توسعه ارتباطات به توسعه کشاورزی و روستاها منجر شد. با تخصصی شدن فعالیتهای تولیدی، جریان کالا میان شهرها و روستاها افزایش یافت تا بار دیگر مناسبات شهر و روستا از روندی رو به رشد برخوردار شود. در این دوره روابط متقابل شهر و روستا موجب رونق شهرنشینی شد تا شهرها از منافع روستاها بیشترین بهره را کسب کنند.

اما با نفوذ سرمایه‌داری غرب که به شکل گسترده در دوره‌ی حکومت پهلوی بوقوع پیوست، اقتصاد معیشتی اجتماعات روستایی را با از بین بردن روستاهای سنتی کشاورزی در هم ریخت و آنها را وادار به تولید محصولات مورد نیاز خود کرد. صنایع روستایی (که ریشه در بنیانهای اقتصاد روستایی داشت) با نفوذ فرهنگ سرمایه‌داری غرب روبه نابودی رفت، نیروی فعال روستایی کشور به طرف شهرها حرکت کردند؛ آنگاه مقدمات نابودی روستاها مهیا شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اعمال پاره‌ای از سیاستهای نادرست در مراحل اولیه، جوامع روستایی شاهد وسیعترین تغییرات در زمینه جابجایی جمعیت از روستاها به شهرها بودند. این مسأله سبب شد که از جمعیت روستایی کشور به میزان قابل توجهی کم شود و به کمتر از ۴۰ درصد تنزل پیدا کند. رشد جمعیت شهرها و توسعه کالبدی آن به حوزه‌های پیرامونی سبب شد که خرید و فروش و بورس بازی زمین از رونق زیادی برخوردار شود. توسعه فضایی شهری در ایران در طی دو دهه اخیر به طور عمده به سه شکل، رشد سریع شهرها به نواحی پیرامونی، رشد شهرها در ارتفاع و ایجاد شهرهای جدید بوده است. همچنین تنوع شغلی شهری، پیچیدگی و ارزش فضایی شهری و نیز انفکاک بخشهای مسکونی و فعالیتها از سه ویژگی منحصر به فرد توسعه شهری کشور بوده است که به میزان قابل توجهی بر روابط متقابل شهر و روستا تأثیر نهاده است.

منابع

- ۱- اشرف، احمد، (۱۳۵۳): ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره چهارم.
- ۲- جمال زاده، محمد علی، (۱۳۶۲): گنج شایگان، انتشارات تهران.
- ۳- حسامیان، فرخ و دیگران، (۱۳۶۳): شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه.
- ۴- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۷۴): روابط متقابل شهر و روستا با تاکید بر ایران، انتشارات پیام نور.
- ۵- رئیس دانا، فریبرز، (۱۳۷۵)، حوزه نفوذ، مجله گسترش و عمران، شماره ۳۳/۲۱ تهران.
- ۶- رزاقی، ابراهیم، (۱۳۶۷): اقتصاد ایران، نشر سخا.
- ۷- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، (۱۳۶۸): لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پیوست شماره ۱.
- ۸- سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۷): مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، انتشارات امیر کبیر.
- ۹- ضیاء توانا، حسین، (۱۳۷۱): نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران، رشد آموزش جغرافیا، سال ششم، شماره ۲.
- ۱۰- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲): تاریخ اقتصاد ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستر.
- ۱۱- کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۶۶): اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا سقوط رضا شاه پهلوی)، ترجمه محمد رضا نفیس، انتشارات پایپروس.
- ۱۲- مقدس خراسانی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱): تاثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت، اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۶۵): سالنامه آماری کل کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- ۱۴- مومنی، مصطفی، (۱۳۵۹): مطالعات اقتصادی شهرسازی تفت، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، نشر نی.

۱۵- منصوری، ذبیح ا...، (۱۳۷۳): سیاستهای کلان دو برنامه در یک نگاه، مجلس و پژوهش، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره هشتم.

۱۶- نظریان، اصغر، (۱۳۶۵): سیر تحول رابطه شهر و روستا و سیر تحول آن در ایران، مجموعه مقالات سمینار جغرافیا، مشهد.

- 17- Small, Jand witherick, M.,(1989): "A Modern Dictionary of Geography" , Edward Arnold , London , UK
- 18- Paul Ward English, (1966): " City and Village in Iran", Settlement and Economy in kirman Basin the University of Wisconsin Press , Milwaures and London .
- 19- Costello , V.F., (1979):" Kashan a city and a region in Iran" University of Durham England.
- 20- Macropedia, M., (1991): "The new Encyclopedia Britanica", University of Wisconsin Press.

